نگاه بیرون

آیا کسی می‌تواند جلوی نفوذ ایران را در عراق بگیرد؟

The New York Times

ترجمه: شهرام زرندار

● موصل دوباره به دست دولت عراق افتاده و به نظر می‌رسد نبرد علیه داعش به پایان خود نزدیک شده؛ این خبر خوشی است، اما یکی از نتایج جانبی این نبرد این است که اکنون ایران نفوذ خود را در سراسر عراق توسعه داده و به نظر می‌رسد این نفوذ در کوتاه‌مدت از میان نخواهد رفت، یکی از نیروهایی که در این نبرد برای آزادی موصل و سایر نواحی نقش خطیری ایفا کرده، گروه‌های شبه‌نظامی هستند که تهران از آنها پشتیبانی می‌کند. این نیروها بخشی از نیروی بسیج مردمی را تشکیل داده‌اند. بسیج مردمی ائتلافی از گروه‌های شبه‌نظامی است که برخی از آنها هم به دولت عراق وفادارند و هم به دولت ایران... . بیشتر عراقی‌ها- سنی و شیعه- از دهه‌ها منازعه خسته شده‌اند و نگران این مسئله هستند که توسعه نفوذ ایران در عراق رویارویی‌های موجود را در این کشور افزایش دهد. قبل از انتخابات عمومی سال آینده اکثریت بزرگی از نیروهای سیاسی عراق خواهان تقویت استقلال خود هستند. حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق که می‌تواند اعتبار پیروزی‌های اخیر علیه داعش را به نام خود ثبت کند، مدت‌های مدیدی است روابط خود را با ایران محدود کرده. درحال‌حاضر او منتقد رفتارهای غیرقانونی برخی از عناصر تشکیل‌دهنده نیروهای امنیتی عراق است. موضع دولت او این بوده که نهادهای دولتی و سلسله‌مراتب فرماندهی را تقویت کند.

درهمین‌حال عمار حکیم، یکی از سیاست‌مداران پیشرو عراق که ثمره یکی از خانواده‌های معروف شیعه این کشور است، در اواخر ماه جولای اعلام کرده از شورای عالی اسلامی عراق، حزبی سیاسی که خانواده‌اش در دهه ۱۹۸۰ با کمک ایرانی‌ها در تهران بنیان‌گذاری کرد، بیرون خواهد رفت. او همچنین حزب خودش را بنیان‌گذاری کرده است. جنبش صدر که نماینده میلیون‌ها شیعه فقیر در بغداد و سراسر جنوب عراق است در ملأعام خود را مؤتلف با اردوی ضدایرانی خوانده است. سفر مقتدی صدر به عربستان و امارات هم با نیت کمک به توسعه روابط دوجانبه انجام شده‌اند.

تنها ائتلاف سیاسی‌ای که رسما در جهت طرفداری از ایران حرکت کرده، به رهبری نوری مالکی، نخست‌وزیر سابق عراق، به حیات خود ادامه می‌دهد. آقای مالکی از زمان تحویل‌دادن دفتر و پست نخست‌وزیری در سال ۲۰۱۴ تاکنون، در تکاپوی مطرح‌کردن دوباره خود به‌عنوان رهبر عراق طرفدار ایران است. او در رویارویی با فهرستی فزاینده از توطئه‌گران شامل عربستان سعودی، اسرائیل، کردها و ایالات متحده خود را تثبیت کرده است. درحالی‌که تقریبا تمامی نیروهای سیاسی عراقی در انتخابات ۲۰۱۸ علیه ایران، صف‌آرایی خواهند کرد، به‌نظر می‌رسد طرفداران ایران در عراق در انتخابات پیش‌رو شکست بخورند. بااین‌همه به نظر می‌آید این مسئله تأثیر اندکی بر نفوذ ایران در عراق داشته باشد. در سیستم الکترال و انتخاباتی عراق برای هر ائتلاف سیاسی، به‌دست‌آوردن بیش از ۲۰ درصد آرا بسیار مشکل است؛ یعنی ائتلاف‌های متنوع سیاسی باید در سامان‌دادن به ائتلاف‌های لازم برای تشکیل دولت، با هم به نتیجه برسند. درحالی‌که احزاب می‌کوشند وزارتخانه‌های پرمنفعت را برای خود حفظ کنند، از اهدافی که برای آن مبارزه کرده‌اند - اهدافی مانند حفظ استقلال عراق- دور می‌مانند. درست مانند دولت‌هایی که از زمان حمله ۲۰۰۳ تاکنون تشکیل شده‌اند، دولت آتی و بعدی متشکل از احزابی خواهد بود که کشور را به جهات مختلف خواهند کشید.

نه ایالات متحده و نه عربستان سعودی یا هر کشور دیگری قادر نخواهد بود در این معرکه، صاحب نفوذ تعیین‌کننده شود.

در برابر این وضعیت فقط یک احتمال وجود دارد که می‌تواند یک چالش واقعی برای نفوذ ایران پدید آورد و آن دخالت مستقیم آیت‌الله‌العظمی علی سیستانی، رهبر شیعیان عراق است. در سال ۲۰۱۴ آیت‌الله سیستانی فتوایی صادر کرد که از عراقی‌ها می‌خواست از کشور در برابر داعش دفاع کنند. در پاسخ به این فتوا هزاران نفر از شیعیان عراق به ارتش و سایر گروه‌های رزمنده پیوستند که شامل نیروهای شبه‌نظامی طرفدار ایران هم می‌شدند. تأثیر ناخواسته این فتوا این بود که به این گروه‌ها به‌شکلی مشروعیت مذهبی اعطا کرد. بسیاری از مفسران گمانه‌زنی کرده‌اند که اکنون آیت‌الله سیستانی در آستانه لغو فتوای خود است تا در اثر آن نیروهای بسیج مردمی خود را منحل اعلام کنند. درحال‌حاضر چنین چیزی محتمل به‌نظر نمی‌رسد. نیروهای بسیج مردمی از مشروعیت وسیعی برخوردارند و این به‌خاطر خدماتشان در نبرد با داعش بوده است. بسیاری از عراقی‌ها ترجیح می‌دهند این نیروها به‌عنوان بخشی از نیروهای امنیتی رسمی باقی بمانند. حتی آقای عبادی با چنین انحلالی به همین دلایل مخالف است، اما یک فتوای جدید از سوی آیت‌الله سیستانی به‌دنبال آزادی کامل سرزمین‌های عراق از دست داعش، می‌تواند تعهدات آن‌دسته از عراقی‌هایی را که در سال ۲۰۱۴ داوطلب پیوستن به ارتش و پلیس بوده‌اند، بازتعریف کند.

politics@sharghdaily.ir

بررسی تغییرات ساختار وزارت خارجه در گفت‌وگو با مدیرکل اسبق

مهندسی تازه دستگاه دیپلماسی

لیلا ابراهیمیان: قرار است ساختار وزارت خارجه تغییر کند؛ دو ماه است که زمزمه این تغییر به گوش می‌رسد. دو روز قبل هم، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگوی ویژه خبری درباره این تغییر به اختصار گفت: «تصمیم بر ایجاد معاونت جدید اقتصادی گرفتیم و سه اداره کل را حذف کردیم». جاوید قربان‌اوغلو، مدیرکل اسبق آفریقای وزارت خارجه و سفیر پیشین ایران در آفریقای جنوبی، درباره برنامه‌های وزیر برای تغییر ساختار وزارت خارجه معتقد است: تغییر و یکپارچه‌شدن معاونت‌های سیاسی وزارتخانه، اقدام درستی است؛ اما برای احیای معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه، باید تأمل بیشتری شود. تغییر انفجاری، ممکن است تبعاتی جبران‌نشدنی داشته باشد. او می‌گوید: «من شنیده‌ام بیش از ۹۰ درصد بدنه وزارت امور خارجه، مخالف تغییر انفجاری هستند».

عکس: عباس کوثری، شرق

آخرین باری که ساختار وزارت امور خارجه تغییر کرد، چه زمانی بود؟

ساختار وزارت امور خارجه در ۳۷ سال گذشته با تغییراتی روبه‌رو شده است. اولین تغییر در دوره علی‌اکبر ولایتی بود که یک معاونت سیاسی به سه معاونت (سیاسی) منطقه‌ای شامل اروپا و آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و خاورمیانه و آفریقا تغییر یافت. همچنین معاونتی با عنوان معاونت آموزش و پژوهش تشکیل شد. آخرین تغییر نیز، اگر اشتباه نکرده باشم، در دوره وزارت منوچهر متکی بود که با تفکیک معاونت اروپا و آمریکا، قاره آمریکا را به یک معاونت تبدیل کرد؛ ضمن اینکه در این دوره، معاونت آفریقا هم مستقل شد. معاونت اقتصادی برای اولین‌بار در دوره سیدکمال خرازی تشکیل شد که در آن زمان، با مخالفت‌های جدی از سوی بدنه وزارت خارجه که نوعا سیاسی بود، روبه‌رو شد؛ ولی در نهایت این تغییر صورت گرفت.

این تغییرات چه بود و با چه هدفی انجام شد؟

با توجه به تمرکز و توجه آقای احمدی‌نژاد بر روابط با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا، این معاونت فعال شد. البته اینکه او چقدر در این هدف موفق بوده، مسئله دیگری است. این آخرین تغییر در حوزه سیاسی بود.

در حوزه سازمانی چه تغییراتی ایجاد شده است؟

اطلاع دقیقی از جزئیات ندارم؛ ولی آقای متکی تعداد معاونت‌ها را افزایش داد. در دوره بعدی، علی‌اکبر صالحی این سیستم را بدون تغییر ادامه داد.

تغییر معاونت‌ها در وزارت امور خارجه با چه هدفی انجام می‌شود؟

تغییر معاونت‌ها در وزارت خارجه بیشتر سلیقه‌ای بوده و تاجایی‌که به خاطر دارم، بر اساس برنامه‌ای مدون و از قبل مطالعه‌شده صورت نمی‌گرفت. آقای ولایتی بنا بر تشخیص خود، یک معاونت سیاسی را به سه معاونت اضافه کرد؛ این مسئله موجب رقابت ناسالمی در بین کارشناسان، مدیران و دیگر ارکان وزارت خارجه شد. انسجام برنامه سیاست خارجی هم به هم خورد. همین اشتباه در دوره آقای متکی به نحو دیگری اتفاق افتاد. بنابراین تغییرات بیشتر معطوف به سلایق وزرا و مقام بالاتر آنها یعنی رئیس‌جمهور بود.

وزارت امور خارجه در این دوره چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

اهداف وزارت خارجه به گفته دکتر ظریف، در دوره دوم دولت دکتر روحانی در سه مورد مشخص تعریف شده است: حفاظت از برجام، تأکید بیشتر بر مأموریت‌های وزارت خارجه در حوزه اقتصادی و جذب سرمایه خارجی و توجه بیشتر به کشورهای منطقه و طبعا همسایگان. البته باید توجه داشت این موارد جز برجام که موضوعی حادث در حوزه سیاست خارجی است، همواره و در همه دولت‌ها از اهداف اصلی وزارت خارجه بوده است؛ ولی اینکه موفقیت در این موارد تا چه میزان بوده، موضوع دیگری است که باید آن را از زوایای مختلف ازجمله وضعیت ایران در منطقه و جهان، بررسی کرد. به عنوان مثال در دوران طلایی دولت اصلاحات، اقبال جهان به ایران بیشتر بود و طبیعی است که سرمایه خارجی بیشتری جذب کشور شد. یا اینکه برنامه مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در حوزه سیاست خارجی توانست گشایشی جدی در عرصه مناسبات خارجی کشور در حوزه اقتصادی به ارمغان بیاورد. برعکس در دوره محمود احمدی‌نژاد، بحران هسته‌ای و نوع تعامل دولت وقت با جهان، موجب به‌محاق‌رفتن کشور در مناسبات بین‌المللی و تحمیل تحریم‌ها و گرفتاری در چنبره قطع‌نامه‌ها شد؛ طوری که حتی دوستان ایران هم جرئت نزدیک‌شدن به ما را نداشتند.

آیا این تغییر ما را به چشم‌انداز تعریف‌شده می‌رساند یا نه؟

اینکه آیا با این تغییرات می‌توان به اهداف رسید یا خیر، قبل از اینکه مربوط به نفس تغییر و تشکیل فلان معاونت باشد، بیشتر به موقعیت کشورمان در جهان، جهت‌گیری سیاسی خارجی (تعامل یا تقابل) و انگیزه و توانمندی حرفه‌ای کارگزاران دستگاه دیپلماسی مربوط می‌شود. تجربه نشان داده که تغییر در رویکردها و گماشتن افراد واجد صلاحیت در رأس سفارتخانه‌ها و همچنین مدیریت‌های ستادی، نقشی انکارنشدنی در دستیابی به اهداف داشته است.

ساختار قبلی وزارت امور خارجه چه ایرادی داشت که دوباره دکتر ظریف به تغییر ساختار وزارتخانه می‌اندیشد؟

این را که کدام ایرادات ساختار قبلی، تغییر را ضروری می‌کرد، باید از مدیریت بالای وزارت خارجه سؤال کنید. به نظر من، تغییر در ساختار بخش سیاسی و تشکیل معاونت واحد در این حوزه، کار بسیار خوبی است و از اول هم نباید این انسجام و یکپارچگی که لازمه سیاست‌گذاری صحیح است، به هم می‌خورد. ولی تغییرات در این بخش در دوره جدید دکتر ظریف فقط به این امر سازمانی محدود نیست؛ ایشان بنا بر شنیده‌ها قصد دگرگونی عمیق در ساختار سیاسی را دارند. اگر این کار بدون مطالعه و به‌قول معروف پایلوت (اجرا در یک بخش برای سنجش کار) صورت گیرد، ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد، به‌خصوص اینکه شنیده‌ام بیش از ۹۰ درصد بدنه مخالف این تغییر انفجاری هستند. البته در همین خصوص هر اقدامی که منجر به افزایش انگیزه دیپلمات‌ها و بدنه وزارت خارجه شود، کار صوابی است. درحال‌حاضر به تعبیر دوستان، بدنه کارشناسی به‌شدت بی‌انگیزه و غیرفعال است و در روند تصمیم‌سازی ورود ندارند. مثلا در حوزه روابط اقتصادی و بین‌المللی بیشتر بر اساس روابط خارجی، اقتصاد ایران با کشورها تنظیم می‌شود؛ البته باید توجه شود در این حوزه اعمال مدیریت موردتوجه نیست بلکه نظارت و تنظیم عملکرد دستگاه‌های اقتصادی کشور در حوزه خارج بر اساس اهداف کلان سیاست خارجی کشور موردتوجه است. یعنی هماهنگی دستگاه‌ها در اولویت است تا دخالت و مدیریت. اگر کشوری با ما روابط خصمانه دارد، روابط اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ایده تشکیل معاونت اقتصادی در وزارت امورخارجه چه دوره‌ای موردتوجه قرار گرفته است؟

اولین بار معاونت اقتصادی در دوران آقای خرازی تشکیل شد. آقایان محمود واعظی، محمدحسین عادلی و علی ماجدی در دوره‌ای و بعدا محسن طلایی ریاست معاونت اقتصادی را بر عهده داشتند. اما معاونت اقتصادی در دوره منوچهر متکی منحل شد.

چرا؟

من در آن تشکیلات نبودم؛ ما حذف شده بودیم ولی در دوره وزارت آقایان ولایتی و خرازی وضعیت به این صورت بود که حتی اگر اراده‌ای برای تغییر وزارت خارجه وجود داشت، این اراده را به بحث و بررسی می‌گذاشتند و حوزه‌های متعدد مدیریتی، نظرات کارشناسی خود را ارائه می‌دادند. در دوره خرازی تشکیل معاونت اقتصادی خیلی مخالف داشت ولی با بحث و مشورت درنهایت جمع‌بندی این بود که معاونت اقتصادی تشکیل شود. در دوره احمدی‌نژاد تصمیمات آنی بود و من هیچ یادم نمی‌آید که برای این اقدام، از جایی نظر کارشناسی دریافت شود.

بعد از انحلال معاونت اقتصادی، قائم‌مقام وزیر بر مناسبات اقتصادی ایران با دیگر کشورها نظارت می‌کرد. در دوران قبل، یعنی در دوره ولایتی یک تشکیلات ستاد هماهنگی‌های اقتصادی در وزارتخانه فعال بود. در دوره ولایتی قائم‌مقام وزارت امور خارجه و در دوره خرازی معاون اقتصادی وزارت خارجه با معاونت اقتصادی وزارتخانه‌های اقتصادی و سازمان‌های وابسته به دولت و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران جلسه تشکیل می‌داد؛ هدف این جلسات نظم و نسق دادن به رابطه اقتصادی ایران با جهان بود. در دوره احمدی‌نژاد این از مسیر اصلی خود خارج شد و من به یاد ندارم که معاونت اقتصادی فعال باشد. الان هم دکتر ظریف تصمیم گرفته و مصوبه‌ای از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای تشکیل معاونت اقتصادی گرفته است. این یک تغییر است ولی در نظر دارد تغییرات دیگری هم ایجاد کند.

این تغییرات کدام است؟

به غیر از احیای معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه، تغییرات بنیادین دیگری موردتوجه است. ایشان می‌خواهد به سیستم معاونت سیاسی دوره اول برگردد. این تصمیم درستی است. سیاست امر یکپارچه‌ای است و نمی‌شود آن را از همدیگر تفکیک کرد. این تفکیک در دوران ولایتی انجام و منجر به تشکیلات جزیره‌ای در وزارتخانه شد. معاونت سیاسی سه‌گانه، اگرچه هرکدام مأموریتی داشتند؛ اما این شیوه مجریان، پرسنل و دیپلمات‌ها را وارد چالش و رقابت ناسالم کرد. مثلا کارشناسان اروپا در چالش با کارشناسان آسیا و خاورمیانه یا آفریقا بودند. خوشبختانه این تصمیم دکتر ظریف وضعیت را اصلاح کرده و به قبل از رقابت ناسالم برمی‌گرداند. براساس برنامه جدید دکتر ظریف، قرار است بدنه وزارت امور خارجه به‌صورت کشورها و مناطق اداره شود. یعنی در وزارت امور خارجه، اداره منطقه‌ای نخواهیم داشت. تشکیلات بر اساس کشورها و حوزه‌های جغرافیای سیاسی تقسیم می‌شود؛ مثلا روسیه با چند کارشناس اداره خواهد شد. یک تغییر دیگر ارتباطات بین این هسته و مقام مافوق خواهد بود. البته اداره کل به چند اداره کل محدود خواهد شد. ۱۰ اداره کل سیاسی به چند اداره کل کوچک‌تر محدود می‌شود. بر اساس دیدگاه ظریف، انگیزه درون دیپلمات‌ها ایجاد می‌شود؛ تشکیلات چابک شده و ارتباطات زائد که منجر به بوروکراسی بسیار زمان‌بر می‌شود، حذف خواهد شد و ارتباط بین قاعده و رأس هرم نزدیک‌تر می‌شود.

در حوزه اقتصادی ظریف به دنبال چیست؟

دکتر ظریف سه هدف را برای خود انتخاب کرده است؛ ارتباط با همسایگان، برجام و اقتصاد؛ البته من نگاهم این نیست که در این دوره به همسایگان بی‌توجهی شده است. ظریف می‌خواهد با احیای معاونت اقتصادی، روابط اقتصادی ایران را با کشورهای دنیا فعال کند تا به روابط اقتصادی ایران با خارج نظم داده شود. مثلا در جذب سرمایه، انتقال فناوری پیشرفته، استفاده از ابزارهای دقیق در مناسبات و پیشبرد اهداف سیاست خارجی هدفمند عمل می‌کند. این موارد در معاونت اقتصادی موردتوجه است. در حوزه اقتصادی دولت به‌دنبال جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی است. همه این اولویت‌ها در گذشته هم بوده است ولی در دوره‌ای به دلیل تحریم‌ها اقتصاد و ارتباط اقتصادی به حاشیه رفت. هیچ کشوری حتی دوستان ما برای مناسبات ساده با ما همکاری نمی‌کردند.

آیا تشکیل دوباره یا احیای معاونت اقتصادی وزارت خارجه در این دوره مفید خواهد بود؟

مسئله اقتصادی هدف وزارت خارجه در سطح حاکمیتی است و در برنامه هر کشوری چنین است. نکته مهم‌تر این است؛ چنانکه وزارت امور خارجه تصور کند این مأموریت فقط با معاونت اقتصادی طرح و پیگیری می‌شود، خطایی برجسته است. اولین کاری که دکتر ظریف باید انجام می‌داد، این بود که در کارنامه اسلاف خود دقیق می‌شد تا ببیند آیا واقعا معاونت اقتصادی مستقل کارکرد و عملکرد خوبی داشته یا نه؟ برایند فعالیت این معاونت به سود کشور بوده یا نه؟ باید این تجربه در معرض نقد قرار می‌گرفت. با تغییر یک معاونت لزوما تحول بنیادین در برنامه اقتصادی با کشورها را نمی‌توانیم ایجاد کنیم. حتی گاهی وجود این معاونت مانع بود؛ مثلا در دوره خرازی رقابت بین حوزه اقتصادی و سیاسی حاکم بود. بار اصلی مناسبات با کشور بر دوش ادارات و هسته‌های سیاسی است. اینها تنظیم‌کننده روابط و ارائه‌کننده برنامه با کشورها هستند. منطقی نیست که بار تمام وزارتخانه بر دوش اینها باشد ولی معاونت اقتصادی بیاید و بدون آگاهی از پیشینه کار در حوزه سیاسی، برنامه اقتصادی ارائه دهد. باید دید پیوند این دو با همدیگر رقابت را بیشتر می‌کند یا کمتر؟ شاید بهترین راه‌حل این بود که بخش‌های اقتصادی درون تشکیلات سیاسی فعال می‌شد. یک معاونت همان‌طور که کار سیاسی انجام می‌دهد، درباره مسئله اقتصادی هم برنامه‌ریزی کند و کار را پیش ببرد. اینکه معاون اقتصادی به‌تنهایی می‌تواند به اهداف اقتصادی، فناوری و سرمایه‌ای دست یابد، اشتباه است ولی این هدف به همکاری سیاسی نیاز دارد. اما در مورد مسائل سیاسی بازگشت به یک معاونت سیاسی درست است. سیاست باید یک جا جمع و همه مناسبات در یک جا مدیریت شود. باید در حوزه معاونت اقتصادی بیشتر تأمل و آسیب‌شناسی شود و شاید پیوند این معاونت با معاونت سیاسی مناسب‌تر بود.

نکته

اولین تغییر در دوره علی‌اکبر ولایتی بود که یک معاونت سیاسی به سه معاونت (سیاسی) منطقه‌ای شامل اروپا و آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و خاورمیانه و آفریقا تغییر یافت

روزنه

رایزنی‌های معاون وزیر خارجه در بیروت

● حسین جابری‌انصاری، معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه که روز دوشنبه به بیروت سفر کرده، با رهبران و نمایندگان احزاب لبنان دیدار کرد. توسعه همکاری ایران- لبنان و ارتباط بین دو کشور، موضوعی بود که در دیدارهای متعدد جابری‌انصاری به آن اشاره شد. او صبح روز گذشته در محل سفارت ایران در بیروت، با رهبران و اعضای تجمع احزاب لبنانی دیدار کرده و درباره آخرین تحولات صحنه داخلی لبنان و موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کرد. به گزارش «ایسنا»، ایلی فرزلی، نایب‌رئیس سابق پارلمان لبنان و اسامه سعد، دبیرکل سازمان مردمی ناصری لبنان، به نمایندگی از رهبران احزاب لبنانی حاضر در این نشست، از نقش برجسته ایران در حمایت از لبنان تشکر کرده و دیدگاه‌های خود را درباره آخرین تحولات لبنان، منطقه و جهان تشریح کردند. آنها در این نشست، به چالش‌های پیش‌روی لبنان و منطقه تأکید کردند. رهبران احزاب لبنان هم بر اهمیت گفت‌وگو به‌عنوان راه‌حل مناسب برای حل بحران‌های منطقه تأکید کردند. در این سفر، جابری‌انصاری، با میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، جبران باسیل، وزیر خارجه، نبیه بری، رئیس پارلمان و ولید جنبلاط، رئیس حزب سوسیال ترقی‌خواه لبنان، دیدار کرد. معاون عربی و آفریقایی وزیر امور خارجه با تشریح تحولات مثبت و منفی منطقه‌ای، اعاده توجه نسبت به مسئله فلسطین را به‌عنوان مسئله محوری امت عربی و اسلامی، ضروری دانست. جابری‌انصاری در دیدار با میشل عون، با اشاره به «دو اولویت وزارت امور خارجه در دوره دوم ریاست‌جمهوری دکتر روحانی، گفت: گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش تحرک در دیپلماسی اقتصادی، از اهداف دولت دوازدهم است که لبنان جایگاه ویژه‌ای در هر دو اولویت دارد. رئیس‌جمهور لبنان هم با اشاره به تأثیر گسترده بحران‌های منطقه‌ای، به‌ویژه بحران سوریه و لبنان و تأکید بر موفقیت‌های داخلی به‌دست‌آمده از طریق اجماع ملی لبنان در زمینه مبارزه با تروریسم و تصویب قانون انتخابات جدید، یکی از اولویت‌های دولت لبنان در مرحله فعلی را حل مشکلات اقتصادی کشور دانست. او همچنین در دیدار با حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، درباره مسائل دوجانبه و منطقه‌ای گفت‌وگو کرد. اوایل مرداد سال جاری بود که حسین امیرعبداللهیان، معاون پیشین عربی و آفریقایی وزارت خارجه، به لبنان سفر کرده بود.